

Original Article

The Impact of Transformation on the Purification of Objects of Ritually Impure Case study of jurisprudential sentences of soap made from pig components

Mohammad Adel Ziaey^{1*}, Ayoub Shafeipoor²

1. Associate Professor of Shafe'i jurisprudential group, Tehran University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: ziaey@ut.ac.ir

2. M.A. of Fiqh Muqaran and Islamic Criminal Law, University of Islamic Sects, Tehran, Iran.

Received: 10 Nov 2018 Accepted: 6 Mar 2019

Abstract

Background and Aim: The widespread changes in societies and the diversification of human needs on the one hand, and the remarkable advances in medical sciences and chemistry, on the other hand, have led to the use of a large range of people from products whose raw materials have been considered ritually impure in Islamic jurisprudence, including soaps made including soaps made from pig components. The question now is whether the changes made to these materials have changed their nature and eliminated their impure?

Materials and Methods: The present research is based on descriptions and the analysis of the Islamic jurisprudential propositions and the library method to study the subject under discussion.

Conclusion: In response to this question, the Islamic schools have granted permission to transformation and therefore permit the use and sale of such soap. On the contrary, others believe that transformation is not certain or non- transformation is established. So the ritually impure is still left. This group is divided into two categories, some of which do not allow the use of these types of products, but others, despite the impure of use of these products, are entitled to use them for the needs of the people and in order to obviate the distress and constriction. It seems that among the existing narrative, the transformation and, consequently, the use and sale of products made from pig components, is more powerful than the existing ones.

Keywords: Transformation; Impure; Islamic Schools; Soap

Please cite this article as: Ziaey MA, Shafeipoor A. The Impact of Transformation on the Purification of Objects of Ritually Impure Case study of jurisprudential sentences of soap made from pig components. *Feghh Journal* 2018-2019; 10(36-37): 33-45.

تأثیر استحاله در تطهیر اشیای نجس بررسی موردی احکام فقهی صابون‌های ساخته‌شده از اجزای خوک

محمد عادل ضیائی^{۱*}، ایوب شافعی‌پور^۲

۱. دانشیار گروه فقه شافعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: ziaey@ut.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد، فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی، دانشکده فقه و حقوق، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

چکیده

زمینه و هدف: تغییرات گسترده جوامع و تنوع نیازهای بشری از یکسو و پیشرفت‌های شگرف علوم پزشکی و شیمی از سوی دیگر، موجب استفاده طیف بزرگی از مردم از محصولات ساخته شده که مواد اولیه آن‌ها در فقه اسلامی نجس دانسته شده است و از جمله این مواد، صابون‌های ساخته‌شده از اجزای خوک است. حال این سؤال مطرح است که آیا تغییرات ایجادشده در این مواد، موجب تغییر ماهیت آنان شده و نجاست آن‌ها را از بین برده است یا نه؟

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر با تکیه بر توصیف و تحلیل گزاره‌های فقه مذاهب اسلامی و روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد بحث پرداخته است.

نتیجه‌گیری: مذاهب اسلامی در پاسخ به این سؤال، به جواز استحاله و در نتیجه، جواز استفاده و خرید و فروش چنین صابون‌هایی قائل شده‌اند. در مقابل، دسته‌ای دیگر معتقدند که استحاله مسلم نبوده و یا عدم استحاله محرز است. بنابراین نجاست کماکان باقی است. این گروه خود دو دسته شده‌اند که عده‌ای استفاده از این نوع محصولات را جایز نمی‌دانند، اما گروهی دیگر از آنان با وجود نجس دانستن این محصولات، استفاده از آن‌ها را به دلیل نیاز مردم و به منظور رفع عسر و حرج مردم جایز دانسته‌اند. به نظر می‌رسد از میان اقوال موجود، قول به استحاله و در نتیجه، جواز استفاده و خرید و فروش محصولات ساخته‌شده از اجزای خوک از قوت بیشتری برخوردار باشد.

واژگان کلیدی: استحاله؛ خوک؛ نجاست؛ مذاهب اسلامی؛ صابون

مقدمه

پیشرفت شگرف علوم در عصر حاضر کمک شایانی به زندگی مردم کرده است و مردم به ویژه از قبل پیشرفت علم بهداشت و پزشکی، توانسته‌اند خود را در مقابل بیماری‌ها محافظت کرده و از این حیث، زندگی راحت‌تری را تجربه کنند. این پیشرفت‌ها زمینه را برای ساخت مواد ضد عفونی‌کننده، شوینده و آرایشی فراهم کرده که هم موجب تمیزی بیشتر می‌شوند و هم جسم را شاداب‌تر و پرتراوت‌تر می‌گردانند.

از آنجا که منشأ بی‌شماری از این پیشرفت‌ها کشورهای غیر اسلامی است، چه بسا در ساخت این مواد، از اجزایی استفاده می‌شود که در فقه اسلامی کاربرد آن‌ها غیر جایز تلقی شده است. به عنوان مثال، ممکن است از اجزای خوک استفاده شود که بنا بر نصوص دینی نجس دانسته شده است و یا مردار حیوانات را به کار گیرند که مورد نهی قرار گرفته است. در عین حال باید توجه داشت که این اجزا دچار تغییر و تحول شده و سپس مورد استفاده قرار می‌گیرد، یعنی چنان نیست که به همان صورت اولیه و بدون تغییر در دسترس عموم قرار گرفته و مصرف شوند. اکنون این سؤال مطرح است که آیا این تغییرات که اصطلاحاً «استحاله» نامیده می‌شود، می‌تواند موجب تطهیر این اشیای نجس شده و استفاده از محصولات ساخته‌شده از اجزای مذکور را مباح گرداند؟ و به عنوان مثال، حکم استفاده از صابون‌های ساخته‌شده از چربی خوک چیست؟ از آنجا که تاکنون پژوهشی مستقل در این موضوع، به ویژه از منظر فقه مذاهب اسلامی صورت نگرفته است، انجام چنین پژوهشی ضروری می‌نماید. در پژوهش حاضر پس از بیان مفاهیم اولیه، تاریخچه صابون‌سازی به اختصار بیان شده و حکم فقهی نجاست خوک از نگاه مذاهب خمسّه تبیین گردیده است، ضمن این‌که دیدگاه فقهی مذاهب در ارتباط با تأثیر استحاله بر تطهیر اشیای نجس بیان شده و در نهایت، پس از بیان حکم فقهی صابون‌های ساخته‌شده از اجزای خوک، نتایج مقاله تشریح گردیده است.

مفهوم‌شناسی

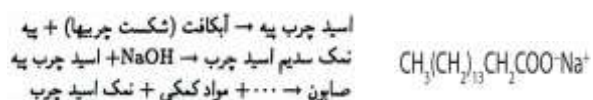
در این بخش، مفهوم اصطلاحات مرتبط با موضوع پژوهش که از اهمیت به سزایی برخوردار هستند، بیان می‌شود.

۱- صابون

صابون بر وزن فاعول از ریشه «صَبَنَ» است که به معنای منع و تخلیه می‌باشد (۱-۳) و بدین‌خاطر «صابون» نامیده شده که بدن را از کثیفی منع کرده و چرک را از روی بدن تخلیه می‌کند (۴). گفته شده است که واژه صابون اصالتاً واژه‌ای عربی نیست (۱-۳) و آن را از صابون فارسی گرفته‌اند (۵) که از ریشه «ساییدن» (ساییدن) است (۶-۷) و بعداً به بسیاری از زبان‌های جهان رفته که در انگلیسی سوآپ (Soap) و در فرانسه ساوون (Savon) نامیده می‌شود.

در اصطلاح پزشکی صابون این‌گونه تعریف شده است: «صابون، نمک یک اسید چرب است. صابون‌ها مخلوطی از نمک‌های سه اسید آلی یعنی اولئات (Oleate)، پالمیتات (Palmitate) و استئارات سدیم (Sodium Stearate) هستند» (۷).

فرمول شیمیایی و مواد تشکیل‌دهنده صابون این گونه است:



معنای فقهی صابون تفاوت چندانی با معنای لغوی و اصطلاحی آن در علم شیمی و پزشکی ندارد.

۲- خوک

خوک (Xūk) واژه‌ای است که از زبان فارسی میانه یا پهلوی^۲ گرفته شده و به پستانداری سم‌دار با پوزه کشیده اطلاق می‌شود (۶-۷) و در زبان عربی به آن «خنزیر» می‌گویند که از ریشه «خَزَرَ» به معنای تنگی و کوچکی چشم، گرفته شده است (۴، ۸).

خوک در زیست‌شناسی، پستانداری است سم‌دار با پوزه کشیده، بدن پرچربی، پوست ضخیم، دست و پای کوتاه و چشم‌های کوچک (۹).

۳- استحاله

«استحاله»، مصدر باب استفعال از ریشه «حَوَلَ» است که به معنای تغییر یافتن، دگرگون شدن و تغییر جهت دادن است (۳-۴، ۸، ۱۱-۱۰). با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان استحاله را در لغت، به تغییر یافتن به چیزی، شکل دیگریافتن و به گونه‌ای دیگر درآمدن معنا کرد.

استحاله، در اصطلاح علم شیمی عبارت است از واکنش شیمیایی که یک ماده را به ماده دیگری تبدیل می‌کند، مانند تبدیل روغن و چربی‌های مختلف به صابون (۱۲).

معنای اصطلاحی واژه استحاله از نظر فقها در این باب، از معنای آن نزد اهل لغت خارج نیست؛ مثلاً فقهای حنفی در تعریف استحاله گفته‌اند: «مراد از استحاله، تغییر یک چیز نجس به یک چیز پاک است» (۱۳). فقهای مالکی نیز این‌گونه گفته‌اند: «استحاله، یعنی تغییر چیزی به چیز دیگر» (۱۴). فقیهان شافعی هم استحاله را چنین تعریف کرده‌اند: «تغییر صفت یک چیز (۱۵)؛ تغییر صفت یک چیز و تبدیل آن به چیز دیگر» (۱۶). فقهای حنبلی نیز گفته‌اند: «تغییر یک چیز به دلایلی که بر آن رخ داده است» (۱۷). فقهای امامیه هم چنین بیان کرده‌اند: «تبدیل و تغییر یک چیز، مانند این‌که نطفه به حیوان زنده تبدیل شود و یا خمر به سرکه تغییر حالت دهد» (۱۸). فقهای معاصر نیز استحاله را اینچنین تعریف کرده‌اند: «تغییر یک چیز نجس به خودی خود یا به وسیله یک عامل دیگر، مانند خون آهو که تبدیل به مشک شود و یا خمر که به سرکه تبدیل شود» (۱۹) و یا «استحاله، یعنی تغییر اوصاف یک چیز و تبدیل آن به چیز دیگر» (۱۸).

وجه اشتراک همه تعاریف از نظر فقها، تغییر یک چیز و تبدیل آن به چیز دیگر است، اما برخی مانند فقهای مالکی، شافعی و حنبلی آن را به طور کلی و مطلق تعریف کرده‌اند و برخی دیگر از قبیل فقهای حنفی و امامیه و برخی از فقهای معاصر، تبدیل و تغییر یک چیز نجس به یک چیز پاک را استحاله نامیده‌اند. به نظر می‌رسد که تعریف فقهای مالکی، شافعی و حنبلی بیشتر ناظر بر تعریف لغوی استحاله باشد، زیرا ممکن است چیزی که پاک باشد به واسطه نجاستی و یا افتادن در نجاستی نجس شود و در این حالت هم استحاله رخ

داده است، زیرا استحاله امری است دوطرفه و چنین نیست که یک وجه داشته باشد، هرچند وقتی که در فقه بحث از استحاله به میان می‌آید معنایی که منظور است و از آن مستفاد می‌شود، همان تعریف فقهای حنفی و امامیه - یعنی تبدیل و تغییر اشیای نجس به اشیای پاک - است.

تاریخچه صابون‌سازی

در مورد این‌که چه کسی یا کسانی اولین بار صابون را ساختند، اقوال تاریخی بسیاری وجود دارد که هیچ یک از آن‌ها از قطعیت برخوردار نبوده و نمی‌توان صراحتاً گفت که چه کسانی مخترع صابون بوده‌اند. اکنون به صورت اختصار به برخی از این اقوال اشاره می‌شود:

برخی معتقدند که مصریان باستان اولین بار صابون را ساختند (۲۰).

گروهی هم معتقدند که اولین بار صابون را سومریان ساختند و چربی‌های حیوانی و گیاهی را با هم مخلوط و از آن برای پاک کردن قوری و برخی ظروف خود استفاده می‌کردند (۲۱).

از رومیان باستان نیز به عنوان اولین سازندگان صابون یاد شده و گفته شده است که آنان خاکسترهای چوب و چربی حیواناتی را که در طبیعت رها شده بود، با هم مخلوط کرده و برای شستشوی لباس یا بدن خود استفاده می‌کردند (۲۱). بقراط و جالینوس، حکیمان یونانی را هم از مخترعان صابون ذکر کرده‌اند (۲).

با توجه به تشتت آرای وارده در این باب، به نظر نمی‌رسد بتوان اختراع صابون را به درستی به شخص و گروه خاصی نسبت داد، اما از آنجا که ساخت صابون با ترکیب چند ماده ساده امکان‌پذیر بوده است، می‌توان گفت که ظهور ساخت صابون، قدمتی به درازای تمدن بشری دارد و در میان اقوام مختلف و تمدن‌های گوناگون رواج داشته و به مرور زمان، ساخت و کیفیت آن بهبود یافته است.

نجاست خوک

جمهور فقهای حنفی (۲۴-۲۲)، مالکی (۲۵)، شافعی (۳۰-۲۶)، حنبلی (۳۱) و امامیه (۳۴-۳۲) معتقدند که خوک نجس بوده و هر گونه انتفاع از آن اعم از استفاده از گوشت، چربی، پوست، استخوان، شیر و دیگر اعضای آن حرام بوده و جایز نیست.

مهم‌ترین ادله مورد استناد آن‌ها برای اثبات ادعای خویش به قرار زیر است:

۱- کتاب

«قُلْ لَا أُجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خَنزِيرٍ فَإِنَّهُ رَجَسٌ أَوْ فِسْقًا أَلْهَلَ لِيغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ بگو در احکامی که به من وحی شده، من چیزی را که برای خوردندگان طعام حرام باشد، نمی‌یابم، جز آنکه میته باشد یا خون ریخته [جهنده] یا گوشت خوک که پلید است و یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا از روی فسق و نافرمانی ذبح کنند و [در همین‌ها که حرام شده] هرگاه کسی به خوردن آن‌ها مضطر گردید صرف کند، در صورتی که از روی ستم و از راه تعدی [از فرمان خدا] نباشد، همانا خدای تو بسیار بخشنده و مهربان است» (۳۵).

اگر گفته شود که آیه مذکور، ناظر بر نجاست «گوشت خوک» است نه «خود خوک»، در پاسخ می‌توان گفت که بنا بر سیاق آیه، منظور از «لحم خنزیر»، خود خنزیر است. در این‌باره مفسران گفته‌اند: همه امت بر این‌که خوک و همه اجزای آن نجس است، اتفاق نظر دارند و ذکر واژه «لحم» قبل از خنزیر، بدان خاطر است که گوشت، جزئی است که از آن بیشترین انتفاع برده می‌شود و مردم از گوشت یک حیوان، بیشترین استفاده را می‌برند، پس منظور آیه از لحم خنزیر، خود خنزیر و همه مشتقاتش می‌باشد (۳۶)، هرچند که نجاست خود خوک در روایات ثابت شده است.

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَلْهَلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ به تحقیق، خدا حرام گردانید بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و آنچه را که به اسم غیر خدا کشته باشند،

پس هر کس که به خوردن آن‌ها محتاج و مضطر شود، در صورتی که به آن تمایل نداشته و [از اندازه رمق] تجاوز نکند، گناهی بر او نخواهد بود [که به قدر احتیاج صرف کند که] محققاً خدا آمرزنده و مهربان است» (۳۵).

۲- سنت

روایات زیادی در منابع شیعه و اهل سنت وجود دارد که به حرمت و نجس‌بودن خوک اشاره دارد و از آن میان به سه روایت بسنده می‌شود:

روایت اول: جابر بن عبدالله نقل می‌کند که از رسول الله (ص) در سال فتح مکه هنگامی که در مکه حضور داشتند، شنیدم که فرمودند: همانا خدا و رسول وی، خرید و فروش شراب، مردار، خوک و بت‌ها را حرام نموده‌اند. گفته شد: ای رسول خدا، نظرتان درباره پی‌ها (و چربی‌های) حیوانات خودمرده چیست؟ زیرا آن‌ها بر (چوب‌های) کشتی‌ها مالیده شده و با آن‌ها پوست‌ها چرب می‌شوند و از آن‌ها مردم (چراغ‌ها روشن نموده و) نور حاصل می‌نمایند؟ رسول الله (ص) فرمودند: خیر، آن (نیز) حرام است، سپس رسول الله (ص) در آن وقت فرمودند: خداوند یهود را بکشد، زیرا زمانی که الله بر آن‌ها پی و چربی (حیوانات) را حرام گردانید، آن‌ها آن چربی و پی‌ها را گداخته نموده و سپس آن‌ها را فروختند و پولش را خوردند» (۳۷).

روایت دوم: علی بن جعفر (ع) می‌گوید: از برادرم موسی بن جعفر (ع)، درباره خوکی که از ظرفی آب آشامیده بود، پرسیدم که با آن ظرف چه کنم؟ برادرم فرمود: هفت مرتبه باید آن را بشویید» (۳۸).

روایت سوم: مفضل بن عمر می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: فدایت شوم، به من خبر بده که چرا خداوند تبارک و تعالی [خوردن] شراب و مردار و خون و گوشت خوک را حرام نموده است؟ حضرت فرمود: «...» (۳۹).

برخی فقهای مالکیه، خوک را نجس ندانسته و معتقدند که «اصل» در اشیاء، «طهارت» است، پس همه چیز در زمین پاک است و هرچه از آن بروید و در آن متولد شود نیز همین حکم را دارد، زیرا نجاست چیزی عارضی است، پس هر موجود زنده‌ای، هرچند سگ و خوک باشد، پاک است (۴۰)، البته

ناگفته نماند که همین فقهای مالکی به طهارت سگ و خوک قائل هستند، اما طبق نص صریح قرآن، گوشت آن را نجس می‌دانند، اما بر اساس ادله قوی و متقن که به آن‌ها اشاره شد، قول راجح، نجاست خوک است.

تأثیر استحاله بر ازاله نجاست از اعیان نجس

فقهای مذاهب اسلامی درباره نجاست اشیا و حیوانات نجس‌العین مانند خمر، سگ، خوک، مردار و امثال آنکه در نمک انداخته شده و به نمک تبدیل شده‌اند و دیگر لفظ نمک بر آن صدق کرده و از ماهیت اصلی خود خارج شده باشند یا پوسیده و یا تبدیل به خاک شده و یا به وسیله آتش به خاکستر تبدیل شده باشند و یا پوست حیوان نجسی که به وسیله دباغی ماهیت آن تغییر کرده و یا به سرکه تبدیل شده باشد، مانند خمر، اختلاف نظر کرده‌اند. برخی معتقدند که استحاله این اشیا، موجب طهارت آن‌ها است و برخی دیگر، استحاله را موجب طهارت نمی‌دانند. اکنون به بررسی اقوال فقهای مذاهب اسلامی پرداخته و ادله آنان مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و در پایان قول راجح بیان خواهد شد.

۱- قول به تطهیر اشیا نجس در اثر استحاله

قول راجح مذهب حنفی (۲۲)، مالکی (۲۵) و امامیه (۳۴)، ۴۲-۴۱، یک قول از نظر برخی فقهای شافعی (۳۰) و حنبلی (۴۳-۴۵) و آیت‌ا... سیستانی (۴۶) استحاله را موجب طهارت اعیان نجس دانسته‌اند.

این گروه برای صحت قول خود به ادله زیر استناد جسته‌اند:

۱-۱- کتاب: خداوند می‌فرماید: «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَّأً خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ؛ و البته برای شما ملاحظه حال چهارپایان همه عبرت و حکمت است که ما از آنچه در شکم آن است از میان سرگین و خون، شما را شیر پاک می‌نوشانیم که در طبع همه نوشندگان گواراست» (۳۵).

قائلین به این دیدگاه معتقدند که خداوند در این آیه از تولید شیر از دو ماده نجس سرگین و خون خبر می‌دهد، اما چون تغییر ماهیت داده، حلال و پاک است (۴۴).

۲-۱- سنت: از پیامبر (ص) روایت شده است که فرمودند: «چه خوب نان خورشی است سرکه» (۳۷، ۴۹-۴۷).
قائلین به جواز استحاله نجاسات معتقدند که در روایت مذکور، بین این‌که سرکه به خودی خود، سرکه شده یا از شراب به سرکه تبدیل شده باشد، فرقی گذاشته نشده و روایت، مطلق است و در آن قیدی به چشم نمی‌خورد، پس معصوم، شرابی را که به سرکه تبدیل شده و استحاله گشته باشد، حلال دانسته است، در حالی که اگر حرام بود، آن را حتماً ذکر می‌کرد و روایت قید می‌خورد (۵۰).

از ابن عباس روایت شده است که پیامبر (ص) فرمودند: «هر پوستی که دباغی شود، پاک می‌شود» (۴۸، ۵۱).

۳-۱- اجماع: مسلمانان بر این مطلب اجماع دارند که وقتی چهارپایی علف نجس بخورد و بعد از آن، حیوان را حبس کرده و به آن علف پاک بدهند، آنگاه شیر و گوشت او پاک و حلال می‌گردد (۴۴).

۴-۱- قیاس: وقتی نطفه و اسپرم به خون تبدیل شده و به تخم‌مرغ و یا جنین تبدیل می‌گردد، پاک می‌شود و هنگامی که خمر به سرکه تبدیل شود، پاک می‌گردد، پس طبق این قاعده، سایر نجاسات نیز وقتی تغییر ماهیت داده و به چیز دیگری تبدیل شوند، پاک می‌گردند (۴۴).

۵-۱- عقل: وقتی که چیز نجسی به مرور زمان و تحت شرایطی تغییر کرده و اوصاف و ویژگی‌هایش در اثر تغییر، آن را به چیزی دیگر تبدیل کند، به معنای این است که آن عین و چیز اولی، دیگر از بین رفته و به چیز جدیدی تبدیل شده است. بنابراین وقتی که خمر تبدیل به سرکه شود و یا سگی که دارای پوست، گوشت، خون و استخوان است، در نمک افتاده و به نمک تبدیل شود، عقل حکم می‌کند که این اشیا پاک شده و سرکه، خمر را نابود ساخته و نمک، سگ را از بین برده است و آن‌ها به ماده جدیدی تبدیل شده‌اند (۳۹، ۵۲). به علاوه این‌که وقتی مطابق اجماع مسلمانان، خمر - که أم الخبائث شمرده شده است - در اثر تغییر ماهیت و تبدیل شدن به سرکه، پاک و حلال می‌گردد، به طریق اولی سایر نجاسات نیز وقتی دچار استحاله شوند پاک می‌گردند (۴۳).

که اجنبی از بحث ماست - و چند دلیل عقلی که همگی ظنی هستند، بسنده کرده‌اند.

با این حال، باید در نظر داشت که زمانی می‌توان گفت یک چیز استحاله گشته است - حال خودش استحاله گردد یا کسی یا چیزی موجب استحاله آن شود - که ترکیبات شیمیایی آن نیز دگرگون شده باشد و صرف تغییرات فیزیکی اشیاء، موجب استحاله نمی‌شود. بنابراین زمانی می‌توان استحاله و دگرگونی یک چیز نجس را تأیید کرد و آن را پاک دانست که علاوه بر تغییرات فیزیکی، تغییرات شیمیایی آن محسوس بوده و دیگر نتوان آن را از نظر ترکیبات شیمیایی، همان شیء سابق دانست و این همان نکته‌ای است که آیتا... سیستمی در پاسخ به یک استفتا به آن تصریح کرده‌اند (۴۶). به عنوان مثال، ترکیبات شیمیایی خمر (شراب) با سرکه فرق دارد و این تفاوت را زمانی می‌توان فهمید که خمر به سرکه تبدیل می‌شود، زیرا وقتی خمر بوده است، باعث اسکار و مستی می‌شده و وقتی به سرکه تبدیل گشته و در آن تغییرات شیمیایی حاصل شده است، دیگر وصف «مستی» آن از بین رفته است و بدین خاطر است که همه فقها و شارع مقدس، خمری را که به سرکه تبدیل شده است، پاک دانسته‌اند و این گفته و نظر شرع، خود تأییدی است بر این مطلب که موادی که نجس بوده و دچار استحاله شده‌اند، به دلیل تغییر ماهیت، نجاست آن‌ها زائل شده است.

احکام راجع به صابون‌های ساخته‌شده از خوک

ابتدا به حکم استفاده از این صابون‌ها و سپس به حکم خرید و فروش آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱- حکم استفاده از صابون‌های خوک

فقها در این باب، دو دیدگاه دارند:

۱-۱- دیدگاه اول: عدم جواز استفاده: جمهور فقهای

حنبل (۵، ۵۸) قائل به این دیدگاه هستند.

بهوتی (م ۱۰۵۱ ق.) از فقهای حنبلی در این باره چنین گفته است: «صابون ساخته‌شده از روغن و چربی شیء نجس، نجس بوده و استفاده از آن برای نظافت جایز نیست، زیرا نجاست هرگز به وسیله استحاله پاک نمی‌شوند» (۵۸). با

۲- قول به عدم تطهیر اشیای نجس در اثر استحاله

قول راجح مذهب شافعی (۳۰، ۵۳) و حنبلی (۳۱، ۴۵، ۵۴) و یک قول از نظر برخی فقهای حنفی (۲۲)، مالکی (۲۵) و امامیه (۴۲)، استحاله را موجب طهارت اعیان نجس ندانسته‌اند، البته ناگفته نماند که همه فقهای شافعی، استحاله خود به خود خمر و پوست خوک را پذیرفته و موجب پاکی آن‌ها دانسته‌اند (۳۰، ۵۳). همچنین همه فقهای حنبلی، استحاله خمر را موجب پاکی آن می‌دانند (۳۱).

این گروه از فقها برای اثبات مدعای خود به روایتی از پیامبر (ص) و دلیل عقل استناد جسته‌اند:

۲-۱- روایت: «پیامبر (ص) از خوردن گوشت و شیر

حیوانات نجاست‌خوار نهی فرمودند» (۴۹-۴۷، ۵۵).

قائلین به عدم طهارت نجاست به وسیله استحاله معتقدند که اگر نجاست در اثر استحاله پاک می‌شدند، دیگر آن حیوانات نجاست‌خوار، حلال شمرده می‌شدند، در حالی که روایت از خوردن آن‌ها منع کرده است (۵۴).

۲-۲- عقل: وقتی سگی در نمک افتاده و به نمک تبدیل

می‌شود، احکام آن تغییر نمی‌کند و همچنان نجس است، هرچند ظاهر آن، دیگر سگ نبوده و نمک به آن اطلاق می‌شود، زیرا نجس، نجس خواهد ماند مادامی که وجود دارد؛ حال فرقی نمی‌کند که شکل آن سگ باشد یا نمک (۵۶). به علاوه وقتی که چیز نجسی به وسیله آتش به خاکستر تبدیل می‌شود، خاکستر به وجودآمده نیز نجس است، زیرا این خاکستر جزئی از همان نجاست است که باقی مانده است (۵۷). بنابراین وقتی که اکثر فقها معتقدند پوست سگ و خوک با دباغی پاک نمی‌شود، چطور دیگر نجاست با استحاله پاک می‌شوند؟ (۴۵)

۳- نقد ادله و بیان قول مختار در مورد حکم استحاله

به نظر می‌رسد که قول قائلین به طهارت نجاست به وسیله استحاله راجح باشد، زیرا این گروه از فقها تقریباً از همه منابع و مصادر تشريع احکام در اسلام، دلیل ارائه داده‌اند؛ از آیات قرآن، روایات صحیح نبوی از فریقین، اجماع امت، عقل و قیاس، اما قائلین به عدم طهارت نجاست در اثر استحاله، دلایل وافیه، متقن و کاملی ارائه نداده و تنها به یک روایت -

دقت در نظرات فقهای حنبلی می‌توان دریافت که آنان تنها و مهم‌ترین دلیل خود را برای عدم جواز استفاده از چنین صابون‌هایی و نجس دانستن آن، عدم پاک‌شدن نجاسات در اثر استحاله دانسته‌اند.

از کمیته دائمی تحقیقات علمی و صدور فتوای عربستان سعودی در مورد استفاده از صابون‌هایی سؤال شد که در ساخت آن‌ها چربی خوک به کار رفته است. این کمیته به ریاست عبدالعزیز بن عبدالله بن باز در فتوای شماره ۱۲۰۸۷ خود این‌گونه پاسخ داد: «لایجوز استعمال ذلك و الحال ما ذکر لتحريم الخنزیر، فبحرم ما خالطه الخنزیر من أجله» (۵۹). این کمیته به حرمت چنین صابون‌هایی فتوا داده و تأکید کرده است که استفاده از صابون‌هایی که اجزای خوک در آن استفاده شده باشد، حرام است. از آیت‌ا... سیستمی نیز درباره پاک‌ی صابون‌های ساخته‌شده از پی و چربی خوک و یا از حیوانات تذکیر نشده سال شده، در حالی که استحاله آن‌ها نامعلوم است و ایشان در پاسخ، پاک‌ی آن‌ها را منوط به استحاله مسلم و قطعی دانسته‌اند (۴۶).

۲-۱- دیدگاه دوم: جواز استفاده: جمهور فقهای حنفی
(۱۳)، مالکی (۶۰)، شافعی (۳۰، ۵۳، ۶۲-۶۱) و امامیه (۶۳) قائل به این دیدگاه هستند.

ابن عابدین (م ۱۲۵۲ ق.) از فقهای حنفی در این مورد می‌گوید: «قراردادن پی و چربی حیوانات نجس برای ساخت صابون جایز بوده و چنین صابونی پاک شمرده شده می‌شود، زیرا تغییر کرده است (استحاله شده است) و تغییر، موجب تطهیر می‌شود. همچنین پاک‌شمردن آن به خاطر مبتلی‌به‌بودن آن [و استفاده از صابون] در میان عموم مردم نیز می‌باشد» (۱۳). داماد افندی (م ۱۰۷۸ ق.) دیگر فقیه حنفی نیز گفته است: «جایز است که از چیز نجس بهره‌وری کرد... مانند ساخت صابون از پی و روغن نجس، زیرا آن پی و چربی دچار انقلاب شده و تغییر یافته است» (۶۴). در کتاب «الفتاوی الهندی» که حاوی فتاوی مذهب حنفی است، در مورد استفاده از چربی و روغن نجس در ساخت صابون، این‌گونه آمده است: «قراردادن چربی و روغن نجس برای ساخت صابون جایز بوده و به پاک‌ی و طهارت آن صابون فتوا داده شده است» (۶۵).

قرطبی (م ۴۶۳ ق.) از فقهای مالکی، نظر مذهب مالک را این‌گونه بیان می‌کند: «استفاده از روغن و چربی نجس برای ساخت صابون منعی ندارد و جایز است که با آن بدن را شست و لباس را پاک کرد» (۶۰).

نووی (م ۶۷۶ ق.) از فقهای مشهور شافعی در این‌باره چنین اظهار داشته است: «قول صحیح مذهب ما جواز بهره‌وری و استفاده از روغن نجس و پی و چربی مُردار در مواردی مانند روشن‌کردن چراغ و روغن‌کاری کشتی‌ها بوده و جایز است که از این روغن و چربی‌ها صابون ساخته و آن را استعمال کرد» (۳۰). زکریای انصاری (م ۹۲۶ ق.) دیگر فقیه شافعی چنین گفته است: «جایز است که کشتی به وسیله چربی مردار روغن مالی شود و همچنین جایز است که از چربی و روغن نجس، صابون تهیه شود و جایز است که گوشت مردار به عنوان غذا به سگ داده شود» (۶۱). رملی (م ۱۰۰۴ ق.) فقیه شافعی در این‌باره این‌گونه ابراز داشته است: «جایز است که با چربی مردار، کشتی را روغن‌کاری کنند و از روغن نجس صابون درست کرده و جایز است که با آن (صابون) بدن و لباس خود را نظافت کنند» (۶۲).

در فقه شیعه در حالی که شهید ثانی (م ۹۶۶ ق.) به طور مطلق، انتفاع از چربی و روغن نجس برای روغن‌کاری چاقوها یا ساخت صابون را جایز می‌داند (۶۳). آیت‌ا... سیستمی از مراجع معاصر، جواز این کار را منوط به استحاله قطعی و مسلم پی و چربی خوک یا حیوان مُردار و غیر مذکی دانسته است (۴۶).

در میان فقهای معاصر امامیه نیز امام خمینی (ره) انتفاع از اشیای متنجس غیر قابل تطهیر را جایز دانسته است، مانند روغن متنجس که در روشن‌کردن چراغ، مالیدن به کشتی‌ها و یا در [صنعت] رنگ‌سازی و صابون‌سازی به کار گرفته می‌شود (۶۶). از نظر آیت‌ا... خامنه‌ای نیز خرید و فروش گوشت خوک جهت استفاده از آن برای تغذیه حیوانات و یا به کارگیری چربی آن در صنعت صابون‌سازی و مانند آن اشکال ندارد (۶۷). ایشان همچنین استفاده از روغن حیوانات حرام‌گوشت در لوازم آرایشی [مانند صابون] را بلاشکال دانسته، ولی معتقدند که در صورت نجس‌بودن، برای نماز باید بدن تطهیر شود و در هر

صورت، اگر عین باقی است، باید برطرف شود (۶۸). آیت... مکارم شیرازی از دیگر مراجع معاصر شیعه نیز با وجود نجس دانستن قطعی چربی خوک، تزریق و چرب کردن دست و صورت با آن را بلاشکال می‌داند، ولی تأکید می‌کند که وقت نماز باید چربی شسته شود (۶۹).

در هشتمین کنفرانسی که مجمع جهانی فقه اسلامی^۳ با موضوع «دیدگاه اسلام در مورد برخی مسائل پزشکی» در شهر دارالبیضای کشور مراکش در تاریخ ۸ تا ۱۱ صفر ۱۴۱۸ قمری برگزار کرد، یکی از موضوعاتی که در این نشست در مورد آن بحث و گفتگو شد، بحث استحاله بود. پس از بحث و گفتگوی اعضا در مورد استحاله این سؤال مطرح شد که آیا صابون ساخته شده از چربی یا بقیه اجزای خوک پاک است و می‌شود آن را استفاده کرد یا خیر؟ مجمع که قائل به پاک بودن نجاسات به وسیله استحاله بود، رأی خود را این گونه صادر کرد: «صابونی که از استحاله چربی خوک یا مردار به دست می‌آید، با این استحاله پاک می‌شود و استعمال آن جایز است.» و بدین گونه صابون‌هایی که از چربی خوک یا برخی مردارها ساخته می‌شوند را پاک اعلام کرده و استفاده از آن را جایز دانست (۷۱-۷۰).

از علمای دانشگاه الأزهر مصر پرسیده شده بود: بعضاً در برخی بازارها صابون‌ها و پنیرهایی یافت می‌شود که ماده نجسی، مانند چربی خوک در آن استفاده شده است؛ حال نظر دین در مورد آن‌ها چیست؟ آن‌ها در پایان بحث و گفتگو و طبق قول راجح جمهور فقهای مذاهب اسلامی به خصوص فقهای حنفی، فتوای خود را این گونه صادر کردند: «و از آنچه گذشت، معلوم می‌شود که صابونی که در ساخت آن از چربی بخشی از یک حیوان نجس استفاده شده - ولو آن حیوان خوک یا غیر آن باشد - آن صابون پاک بوده و استعمال آن شرعاً مانعی ندارد و بنا بر رأی مختار حنفیه، استفاده از آن بلامانع است؛ شامپو هم حکم صابون را دارد» (۷۲). این رأی نشان می‌دهد که دانشمندان الأزهر قائل به استحاله بوده و بر همین مبنا استفاده از این صابون‌ها و شامپوها را جایز دانسته‌اند.

سازمان اسلامی علوم پزشکی کویت در هشتمین نشست فقهی پزشکی خود در سال ۱۹۹۵ در مورد استفاده از

صابون‌های ساخته شده از چربی خوک یا چربی مردار، این گونه فتوا داد: «صابونی که از استحاله چربی خوک یا مردار به دست می‌آید، با این استحاله پاک شده و استعمال آن جایز است» (۷۳). این سازمان نیز با محقق دانستن بحث استحاله در پاکی اشیای نجس، این گونه صابون‌ها را پاک و استفاده از آن را جایز اعلام کرد.

با دقت در نظرات فقهای حنفی، مالکی و اکثر فقهای امامیه فهمیده می‌شود که آنان به دلیل استحاله، صابون ساخته شده از اجزای خوک را پاک و استفاده از آن را جایز می‌دانند، هرچند که فقهای حنفی غیر از استحاله، بنا بر ضرورت یا مبتلای به بودن آن در میان مردم نیز فتوا به جواز استفاده از آن را داده‌اند، اما سؤالی که پیش می‌آید، این است که گروهی از فقها از جمله فقهای شافعی که قائل به استحاله نبوده و به نجس بودن چنین صابون‌هایی نیز قائل هستند، اما استفاده از آن‌ها را جایز دانسته‌اند، آنان طبق کدام ادله به جواز استفاده از چنین صابون‌هایی قائل هستند؟ در جواب می‌توان گفت که این گروه از فقها به دلیل مبتلای به بودن استفاده از صابون بین مردم و ضرورت استفاده از آن برای پاکی بدن، قائل به جواز استفاده از آن هستند تا مردم دچار سردرگمی در احکام دین نشوند و عسر و حرجی برایشان نباشد که این آیه از قرآن و قاعده فقهی نیز آن را تأیید می‌کند: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (۳۵).

اگر هم کسی اشکال کند که چگونه ممکن است فقیه‌ای جواز استفاده از صابون نجس را بدهد؟ پاسخ روشن است، چراکه پس از نظافت با صابون، امکان رفع نجاست با آب وجود دارد، در نتیجه نجس بودن یک بحث است و استفاده از آن برای شستشو بحث دیگری است و این همان چیزی است که آیت... مکارم شیرازی و آیت... خامنه‌ای به آن تصریح کرده‌اند (۶۸-۶۹)، یعنی چنان نیست که باید ابتدا به پاک بودن قائل باشیم و سپس استفاده از آن را جایز بدانیم.

۲- حکم خرید و فروش صابون‌های خوکی

واضح است که آن دسته از فقهای که استحاله را موجب طهارت نجاسات دانسته و با این استدلال، قائل به پاک بودن صابون‌های ساخته شده از اجزای خوک و جواز استفاده از آن

فروش این صابون‌ها باقی نمانده و با چنین اوصافی می‌توان این‌گونه صابون‌ها را خرید و فروش کرد.

۳- جمع‌بندی و بیان قول راجح

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که اکثر فقهای که به طهارت صابون ساخته‌شده از چربی و روغن خوک یا اشیای نجس قائل می‌باشند، به پاک‌بودن نجاسات به وسیله استحاله قائل شده‌اند و کسانی که به نجس‌بودن چنین صابون‌هایی قائل هستند، به پاک‌شدن نجاسات به وسیله استحاله قائل نیستند. به نظر می‌رسد قول برگزیده، همان قول جمهور فقهای مذاهب اسلامی، یعنی پاک‌بودن صابون ساخته‌شده از اجزای خوک و جواز استفاده از چنین صابون‌هایی است، زیرا چربی و روغن نجس وقتی به صابون تبدیل شود، دیگر آن شیء قبلی نیست و دچار دگرگونی شده، ویژگی‌ها و اوصافش تغییر کرده و در نتیجه، به چیز دیگری تبدیل شده است و وقتی به چیز دیگری تبدیل شود، دیگر حکم آن ماده بر آن بار نمی‌شود. علم پزشکی و علومى مانند شیمی نیز همین گفته را تأیید می‌کنند که وقتی چیزی دچار تغییر شده و یک ماده به ماده دیگری تبدیل شود و در کنار تغییر فیزیکی، دچار تغییر شیمیایی گردد، دیگر آن ماده قبلی نیست. همچنین وقتی که چربی یک حیوان نجسی گرفته شده و به ماده دیگری تبدیل می‌شود و در آزمایشگاه‌ها توسط حرارت آتش، آن چربی ذوب می‌شود، عقل سلیم می‌پذیرد که دیگر آن چربی نجس، از بین رفته و به ماده دیگری تبدیل شده است و اطلاق چربی بر آن نه از حیث علمی صحیح است و نه از جهت عرفی.

نتیجه‌گیری

فقهای مذاهب اسلامی در مورد حکم استفاده از صابون‌های ساخته‌شده از پی، چربی و روغن به دست‌آمده از خوک و سایر حیوانات نجس، با هم اختلاف نظر کرده‌اند. روشن شد که مبدأ این اختلاف غالباً به بحث استحاله مواد نجس برمی‌گردد که آیا مواد در اثر دگرگونی و استحاله پاک می‌شوند یا خیر؟ فقهای حنفیه، مالکیه و اکثر امامیه، به پاک‌شدن مواد به وسیله استحاله قائل هستند و در این مورد، به ادله صحیح نقلی و عقلی استناد جسته‌اند و این صابون‌ها را پاک و استفاده

شده‌اند، خرید و فروش آن را جایز دانسته‌اند، اما بحث پیرامون آن دسته از فقهایست که استحاله را در تحقق طهارت نجاسات قبول نداشته و به دلایلی از جمله مبتلی‌به‌بودن استفاده از صابون بین مردم و ضرورت استفاده از آن برای پاک‌ی بدن استفاده از آن را جایز می‌دانند. این دسته از فقها قائل به حرمت خرید و فروش چنین صابون‌هایی هستند و برخی از آنان صحت خرید و فروش آن را به چیزهای دیگری مشروط کرده‌اند.

قرطبی (م ۴۶۳ ق.) از فقهای مالکی گفته است: «اما استفاده از آن در مسجد جایز نیست و خرید و فروش آن نیز اشکال دارد» (۶۰).

نووی (م ۶۷۶ ق.) از فقهای مشهور شافعی در مورد خرید و فروش چنین صابون‌هایی، به حرمت بیع آن قائل شده و چنین گفته است: «استعمال آن جایز است، اما نباید آن را خرید و فروش کرد» (۳۰). معنای این سخن آن است که شخص می‌تواند خودش آن را تهیه و استفاده کند و یا به دیگری هبه کند، اما حق خرید و فروش آن را ندارد.

شهید ثانی (م ۹۶۶ ق.) از فقهای امامی، جواز بیع آن را منوط به باخبر ساختن مشتری و خریدار از نجاست آن کرده است و می‌گوید: «جایز شمرده شده است که روغن و چربی نجس و صابون ساخته‌شده از آن خرید و فروش شود، به خاطر نفعی که برای آن متصور است، اما فروشنده باید مشتری را از نجاست آن باخبر کند...» (۶۳)، اما از میان معاصرین امامیه، آیت‌ا... مکارم شیرازی خرید و فروش آن را علی‌الإطلاق جایز دانسته است (۶۹).

به نظر می‌رسد از میان فقهای که به دلیلی غیر از استحاله، قائل به جواز استفاده از صابون‌های خوکی هستند، نظر شهید ثانی از امامیه در مورد خرید و فروش چنین صابون‌هایی، نظری مختار و معتدل باشد، زیرا وقتی مشتری طبق فتوای فقها می‌تواند از چنین صابون‌هایی استفاده کند و فروشنده نیز هنگام فروش وی را از کم و کیف چنین صابون‌هایی باخبر می‌کند و یا خریدار با مطالعه کارتون و بسته آن صابون، به وجود چنین صابون‌هایی پی می‌برد و خود تصمیم برای خرید آن می‌گیرد، دیگر دلیلی برای منع خرید و

از آن را برای طهارت جایز می‌دانند. در مقابل، برخی از فقهای شافعی و حنبله، استحاله و دگرگونی را موجب محقق شدن پاکی در نجاسات ندانسته و به عدم پاک شدن نجاسات به وسیله استحاله قائل هستند و در این مورد به دلایلی استناد جسته‌اند که بعضاً قابل خدشه است. نظر اکثر پژوهشگران معاصر هم بر این است که اگر شیء نجسی، چنان تغییر کند که علاوه بر تغییرات فیزیکی، تغییرات شیمیایی در آن به طور کامل محقق شده باشد، می‌توان گفت که ماهیت آن منقلب شده و دیگر آن ماده قبلی نیست. بنابراین نجاست آن کاملاً از بین رفته است، پس هماهنگ و همراه با جمهور فقها می‌توان گفت که استحاله، موجب پاکی نجاسات می‌شود.

جمهور فقهای حنفی، مالکی، شافعی و امامی قائل به جواز استفاده از صابون‌های ساخته شده از اجزای خوک هستند و عمده دلیلشان را همان بحث استحاله ذکر کرده‌اند، البته برخی از این مذاهب مانند شافعی که بحث استحاله را در پاکی اشیاء منتفی می‌دانست، با ادله دیگری از قبیل ضرورت و عام‌البلوی بودن و عدم عسر و حرج مردم، به جواز استفاده از چنین صابون‌هایی قائل شده است. در مقابل، فقهای مذهب حنبلی که بحث استحاله را منکر شده و قائل به آن نبودند، به تبع آن، چنین صابون‌هایی را نجس و استفاده از آن را جایز نمی‌دانند. اکثر مجامع فقهی معاصر و دارالافتاهای کشورهای اسلامی، استفاده از چنین صابون‌هایی را جایز و به پاکی آن فتوا داده‌اند و مهم‌ترین دلیلشان همان بحث استحاله است. به نظر می‌رسد که قول مختار و برگزیده در مورد استفاده از چنین صابون‌هایی، همان دیدگاه جمهور فقهای مذاهب اسلامی، یعنی پاکی ناشی از استحاله و در نتیجه، جواز استفاده از آن است، زیرا با اهداف شریعت در تحریم نجاسات همخوانی داشته و استحاله مواد نجس، موجب تحقق پاکی در آن شده که اهداف دین نیز آن را تأیید می‌کند و با مقاصد شارع مقدس در بحث تحریم نجاسات تناقضی ندارد و همچنین علم پزشکی و شیمی، استحاله و دگرگونی مواد را تأیید کرده است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که دیدگاه آن دسته از فقها که استحاله را در تحقق طهارت نجاسات قبول نداشته و به دلایلی از جمله مبتلی‌به‌بودن استفاده از صابون بین مردم و

ضرورت استفاده از آن برای پاکی بدن، استفاده از آن را جایز می‌دانند، موجه باشد، حتی می‌توان گفت کسانی که به حرمت خرید و فروش چنین صابون‌هایی قائل هستند و برخی از آنان صحت خرید و فروش آن را به اموری چون باخبر ساختن مشتری از نجاست آن‌ها مشروط کرده‌اند، سخن بیهوده‌ای بر زبان نرانده‌اند، زیرا هم به ورع و احتیاط نزدیک‌تر است و هم زمینه جدل و نزاع را به حداقل می‌رساند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- حفظ نفس و جان یکی از اصول و مقاصد پنج‌گانه در شریعت اسلامی برشمرده شده است و در کنار حفظ دین، حفظ عقل، حفظ آبرو و حفظ مال یکی از مهم‌ترین اهداف دین ذکر شده است.
- ۲- پهلوی یا فارسی میانه، شکلی از زبان فارسی است که واسطه مستقیم میان فارسی باستان و فارسی امروزی است.
- ۳- مجمع جهانی فقه اسلامی که مقر دبیرخانه آن در شهر جده عربستان سعودی قرار دارد، در سال ۱۴۰۱ قمری تشکیل شد. این مجمع از همه مذاهب اسلامی نمایندگانی دارد که ریاست هیأت نمایندگی ایران، غالباً بر عهده آیت‌الله محمدعلی تسخیری است. هم‌اکنون ۵۷ کشور عضو این مجمع هستند که هر چند سال یک بار در یک کشور از کشورهای عضو، پیرامون موضوعات مستحدثه فقهی نشست‌هایی برگزار می‌شود.

References

1. Ibnmandhur M. Lasan al-Arab. 4th ed. Beirut: Dar Sader; 1414. Vol.13 p.244.
2. Zubaidi M. Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus. Riyath: Dar al-Hedayah; No Date. Vol.35 p.300-301.
3. Firoozabadi M. Al-Qamus al-Muhit. 8th ed. Beirut: Al-Rasalah Institute; 1426. p.989, 1210.
4. Faiumi A. Al-Misbah al-Monir fi Qarib al-Sharh al-Kabir. Beirut: Al-Maktabah al-Elmiah; No Date. Vol.1 p.157, 168, 332.
5. Asemi A. Hashiyah al-Rowz al-Morabba'a Sharh Zad al-Mostaqna'a. 1st ed. Beirut: Muasisih Alrisala; 1379. Vol.1 p.343, 349.
6. Amid H. The Persian Encyclopedia. 1st ed. Tehran: Roshd; 1389. p.500, 620.
7. Moein M. The Persian Encyclopedia. 4th ed. Tehran: Adena; 1386. p.646, 825, 976.
8. Jowhari I. Al-Sahah Taj al-Loqah and Saha'a al-Arabiya. 4th ed. Beirut: Dar al-Elm lel-Mulaeen; 1407. Vol.2 p.644; Vol.4 p.1679.
9. Availble at: <http://www.vajehyab.com>.
10. Azarnoosh A. Contemporary Arabic - Farsi Dictionary. 16th ed. Tehran: Ney Publishing; 1393. p.233.
11. Ibnfaris A. Moajam Maqaes al-Loqah. Beirut: Daral-Fekr; 1399. Vol.2 p.121.
12. Hawari M. Istahalah al-Nijasat. Baghdad: Al-Raed Magazine; 1995. p.47.
13. Ibnabedin, MA. Raddol-Mohtar Ala al-Dorr al-Mokhtar. 2nd ed. Beirut: Dar al-Fekr; 1412. Vol.1 p.209, 316.
14. Rajraji A. Manahidj al-Tahsil. 1st ed. Beirut: Dar ibn Hazm; 1428. Vol.6 p.240.
15. Joweini A. Nahaya al-matlab fi Derayah al-Mazhab. 1st ed. Riyath: Dar al-Manhaj; 1428. Vol.1 p.26.
16. Hosseini AM. Kefaya al-Akhyar fi Hall al-Qayah al-Ekhtesar. 1st ed. Damascus: Dar al-Khair; 1994. p.73.
17. Ba'ali M. Al-Mu'taleh ala Alfaz al-Moqanne'a. 1st ed. Maktab al-Sawadi Lel-Towzea; 1423. p.52.
18. Najafi A (Kashif al-Ghata). Al-Orwah al-Vosqa fi al-Din. Najaf: Kashif al-Ghata Institute; No Date. p.17.
19. Zohaili W. Al-Fiqh al-Islami va Adellatoh. 1st ed. Damascus: Dar al-Fikr; No Date. Vol.1 p.250.
20. Jey G. The oxford Encyclopedia of ancient Egypt. England: Oxford University; 2001. p.277.
21. Availble at: <http://www.todayifoundout.com>.
22. Ibnnojaime Z. Al-Bahr al-Raqaeq Sharh of Kanez al-Dāqaeq. 2nd ed. Beirut: Dar al-Kitab al-Islami; No Date. Vol.1 p.109; Vol.8 p.546.
23. Sarakhsi M. Al-Mabsut. Beirut: Dar al-Maarafah; 1414. Vol.1 p.203.
24. Kasani A. Bada'a al-Sana'a fi Tartib al-Shara'e. 2nd ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiah; 1406. Vol.1 p.63, 85.
25. Qarafi S. Al-Zakhirah. 1st ed. Beirut: Dar al-Gharb al-Islami; 1994. Vol.1 p.165, 187.
26. Shafei M. Al-Om. Beirut: Dar al-Ma'rafah; 1410. Vol.1 p.22.
27. Shirazi I. Al-tanbih fi al-Fiqh al-Shafei. Beirut: Alam-al-Kutub; No Date. p.23.
28. Ghazali M. Al-Wasit fi Madhhab. 1st ed. Cairo: Dar al-Islam; 1417. Vol.1 p.141.
29. Mawardi A. Al-Hawi al-Kabir. 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiah; 1419. Vol.1 p.56.
30. Navavi Y. Al-Majmu. Beirut: Dar al-Fikr; No Date. Vol.1 p.32; Vol.2 p.547; Vol.4 p.448.
31. Ibnqodamah A. Al-Moghani. Cairo: Maktab al-Qaherah; 1388. Vol.1 p.35, 53.
32. Helli J (Mohaqeq). Al-Mukhtasr al-Nafa fi Fiqh al-Imamah. 6th ed. Qom: Al-Matbu'at al-Dini Institute; 1418. Vol.1 p.18.
33. Ameli M (Shahid Avval). Al-Loma'ah al-Damishqiah fi Fiqh al-Imamah. 1st ed. Beirut: Dar al-Terath; 1410. p.23.
34. Najafi MH. Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam. 7th ed. Beirut: Dar al-Ihya al-Torath al-Arabi; 1404. Vol.5 p.366; Vol.6 p.278.
35. Holy Qur'an. An'am: 145; Baqare: 173; Nahl: 66; Haj: 78.
36. Neishabouri H. Gharaeb al-Quran Va Raghayeb al-Furqan. 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiah; 1416. Vol.1 p.470.
37. Neishabouri M. Sahih Muslim. Beirut: Dar al-Ihya al-Torath al-Arabi; No Date. Vol.3 p.1207, 1621.
38. Horeameli MH. Wasael al-Shi'a. 1st ed. Qom: Al al-Bayt Institute; 1409. Vol.3 p.418.
39. Koleini M. Al-Kafi. 4th ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah; 1407. Vol.6 p.242.

40. Sawi A. Balaghah al-Salik le Aqrah al-Masalik. Egypt: Dar al-Maaref; No Date. Vol.1 p.43.
41. Khoei SA. Al-Tanqih fi Sharh al-Orwah al-Vosqa. 1st ed. Qom: Lotfi; 1418. Vol.3 p.180.
42. Naraqhi A. Mustanad al-Shia fi Ahkam al-Sharia. 1st ed. Qom: al al-Bayt Institute; 1415. Vol.1 p.326.
43. Ibtaymiyyah Harani A. Majmu-al-Fatawi. Medina: Assembly of Fahd; 1416. Vol.21 p.71; Vol.21 p.517.
44. Ibnqayim Jozi M. A'alam al-Muvaqa'in an Rab al-Alamin. 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyah; 1411. Vol.1 p.113, 297.
45. Ibnmufalleh I. al-Mubde'a fi Sharh al-Moqanne'a. 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyah; 1418. Vol.1 p.207, 209.
46. Available at: <http://www.sistani.org>.
47. Abudawud S. Sunan Abi Dawood. Beirut: Al-Maktabe al-Asriya; No Date. Vol.1 p.351; Vol.3 p.359.
48. Termadhi M. Sunan al-Tarmadhi. Beirut: Dar al-Gharb al-Islami; 1998. Vol.3 p.273, 334, 345.
49. Majlesi MB. Bihar al-Anwar. 1st ed. Beirut: Al-Nashar Institute; 1410. Vol.62 p.249; Vol.63 p.35.
50. Shukani M. Neil al-Awtar. 1st ed. Cairo: Dar al-Hadith; 1413. Vol.8 p.255.
51. Ibnemajeh Qazvini M. Sunan Ibn Majeh. Beirut: Dar-ol-Ehya'a al-Kutub Al-Arabiya; No Date. Vol.2 p.1193.
52. Othaimin M. Al-Sharh al-Momata' ala Zad al-Mostaqna'a. 1st ed. Dammam: Dar Ibn al-Jozi; 1422. Vol.1 p.31.
53. Sherbini M. Moqni al-Muhtaj. 1st ed. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah; 1415. Vol.1 p.236, 586.
54. Bohutti M. Sharh Muntaha al-Iradat. 1st ed. Beirut: Alam al-Kutub; 1414. Vol.1 p.105.
55. Nasa'ei A. Sunan Nasa'ei. 2nd ed. Halab: Maktab al-Matbuat al-Islamiah; 1406. Vol.7 p.240.
56. Ibnhajar Hatimi A. Alfatawi al-Fiqhieh al-Kobra. Beirut: Al-Mektab al-Islamiya; No Date. Vol.1 p.29.
57. Desughi M. Hashiyah al-Desughi ala al-Sharh al-Kabir. Beirut: Dar al-Fikr; No Date. Vol.1 p.57.
58. Bohutti M. Kashaf al-Qana'a an Matn al-Iqna'a. Beirut: Dar al-Kitab al-Elmiah; No Date. Vol.1 p.186.
59. Collection of writers. Aal-lajnah al-daemah lel-Buhuth al-Elmiah va al-Ifta'a. Fatawi al-lajnah al-Daemah. Riyadh: Al-idāre al-Uma-Lāṭāba; No Date. Vol.22 p.287.
60. Qortobi Y. Al-Kafi fi Fiqh al-Ahl al-Maddina. 2nd ed. Riyadh: Maktabeh al-Riyad al-Haditha; 1400. Vol.1 p.440.
61. Ansari Z. Asni al-Matalib. Beirut: Dar al-Kitab al-Islamiah; No Date. Vol.1 p.278.
62. Ramli M. Nahaya al-Mohtaj ela Sharh al-Minhadj. Beirut: Dar al-Fikr; 1404. Vol.2 p.384.
63. Ameli Z (Shahid Sani). Mesalek al-A'fhaam ela-Tanqih Sharae al-Islam. 1st ed. Qom: Al-Maaref al-Islamiyah Institute; 1413. Vol.12 p.85.
64. Sheikhzadeh A (Damad Afandi). Majma al-Anhar fi Sharh Moltaqa al-Bahr. Beirut: Dar al-Ihya al-Torath al-Arabi; No Date. Vol.1 p.61.
65. Collection of writers. al-Fatawi al-Hendiya. 2nd ed. Beirut: Dar al-Fikr; 1310. Vol.1 p.45.
66. Khomeini SR. Tahrir al-Waseela. 1st ed. Qom: Al-Alam Press Institute; No Date. Vol.1 p.126.
67. Khamenei SA. Ajwabah Al-Istafta'at. 1st ed. Qom: Office of the Supreme Leader; 1424. p.239.
68. Available at: <http://www.leader.ir>.
69. Available at: <http://www.makarem.ir>.
70. Available at: <http://www.iifa-aifi.org>.
71. Available at: <http://www.qaradaghi.com>.
72. Available at: <http://www.fatwa.islamonline.net>.
73. Hamad N. Al-Mawad al-Muharramah va la-Najisah fi al-Qadha va al-Dawa'a. 1st ed. Damascus: Dar al-Qalam; 1425. p.77.